

## جعفر طیار علی‌شاه

## نماد ولایت واسوه

## مقاومت اسلامی

آیت‌الله نجم‌الدین طبسی

ادامه از صفحه ۴

ببینید چه تعبیر زیبایی! «أشبه الناس برسول الله خُلُقاً وخُلُقاً»؛ یعنی وقتی نگاهش می‌کردی، هم از نظر شکل و شمایل ظاهری و هم از نظر اخلاقیات، به یاد پیامبر ﷺ می‌افتادی.

ابن‌اثیر ادامه می‌دهد: «اندکی پس از برادرش اسلام آورد.» برخی می‌خواهند، همین «قلیل» (اندکی) را توسعه دهند و فاصله‌ای طولانی جلوه دهند؛ اما نه خیلی فاصله نبود. خود ابن‌اثیر در ادامه نقل می‌کند:

ابوطالب، پیامبر و علیؑ را دید که نماز می‌خوانند و علیؑ در سمت راست ایشان ایستاده است. پس به جعفر فرمود:

«أن أباطالب رأى النبي وعلياً يصليان وعلي عن يمينه، فقال لجعفر: صل جناح ابن عمك وصل عن يساره» این یعنی چه؟ یعنی خودت گفتی که او از همان ابتدا در کنار پیامبر بوده، دیگر خرابش نکن! بعد می‌گوید: «قل: أسلم بعد واحد وثلاثين إنساناً وكان هو الثاني والثلاثين، قاله ابن إسحاق؛ گفته شده که او بعد از سی و یک نفر اسلام آورد و سی و دومین نفر بود.» این در حالی است که خودشان نقل می‌کنند، خلیفه دوم چهل و پنجمین نفر و خلیفه اول پنجاهمین و اندی نفر بودند. این یعنی جعفر از پیشگامان است.

ابن‌اثیر در صفحه ۳۴۳ می‌افزاید: «وكان رسول الله يسميه، أبا المساكين وكان أسن من علي بعشر سنين وأخوه عقيل أسن منه بعشر سنين وأخوهم طالب أسن من عقيل بعشر سنين؛ رسول خدا ﷺ او را «أبوالمساكين» (پدر یتوایان) می‌نامید؛ زیرا بسیار به فقرا رسیدگی می‌کرد. جعفر ده سال از علیؑ بزرگ‌تر بود و برادرشان عقیل ده سال از جعفر بزرگ‌تر بود و برادرشان طالب نیز ده سال از عقیل بزرگ‌تر بود.»

سپس از خود پیامبر نقل می‌کند که فرمودند: (حالا این یک خواب بوده یا مکاشفه)، «رأيت جعفرأ بطير في الجنة مع الملائكة؛ جعفر را دیدم که در بهشت همراه با فرشتگان پرواز می‌کند.»

- حماسه شهادت در جنگ موته**

سپس ابن‌اثیر قضیه شهادت ایشان در جنگ موته را نقل می‌کند. در آن جنگ تعداد مسلمانان بسیار محدود بود. جعفر از اسبش پایین آمد و او اولین کسی بود که در اسلام اسب خود را «عقر» کرد؛ «نقل آنه يوم موته افتحم عن فرس له شقراء فعقرها، ثم تقدم فقاتل حتى قتل، قال ابن إسحاق: فهو أول من عقر في الإسلام».

«عقر» یعنی چه؟ یعنی پاهای اسب را قطع کرد. این حرکت یک پیام روشن دارد: صحبت از فرار و عقب‌نشینی نیست. در قلب دشمن پیام می‌دهد که یا کشته می‌شوم یا شما را می‌کشم. این یعنی مقاومت مطلق. «ولما قتل جعفر، قطعت يداه والراية معه لم يلقها؛ و هنگامی که جعفر کشته شد، دو دستش قطع شده بود؛ اما پرچم همراهش بود و آن را رها نکرده بود.»



دست‌هایش را قطع کردند؛ اما او از پرچم محافظت می‌کرد. با همان دستان قطع‌شده، پرچم را رها نکرد. «لم يلقها»!

من وقتی این صحنه‌ها را می‌خوانم، یاد برخی از خروجی‌های همین مکتب می‌افتم. یاد آن شهدایی که وقتی بعثی‌ها حمله می‌کردند، در گرمای مه‌ران، وقتی فرمانده دستور عقب‌نشینی می‌داد، می‌گفتند: «تو فرمانده هستی؛ اما این‌ها کسی نیستند که مرا وادار به عقب‌نشینی کنند.» این شهدا پرورش‌یافته همین مکتب هستند. دست‌هایش قطع شد؛ اما پرچم را زمین نگذاشت. پیامش این است: ما هستیم تا چشم شما کور شود. ما ایستاده‌ایم. مقاومتی که امروز می‌بینید، ریشه در این مکتب دارد؛ نه مکتب‌هایی که منتظر شکسته‌شدن خط می‌مانند و عقب می‌نشینند. نه آنهایی که نامه می‌نویسند، گرین‌کارت می‌خواهند و در پی پناهندگی هستند. تاریخ ثبت کرده که برخی برای خلفای شام نامه می‌نوشتند، ستون پنجم دشمن بودند و اطلاعات را روزبه‌روز به یهود می‌دادند تا برایشان پول بفرستند.

آنها این‌گونه بودند و شخصیتی مانند حضرت جعفر ؑ این‌گونه که: «قطعت يداه والراية معه لم يلقها».

ابن‌اثیر در پایان می‌نویسد: «ولما قتل وجد به بضع وسبعون جراحة، ما بين ضربة سيف وطعنة برمح، كلها فيما أقبل من بدنه... وكان عمر جعفر لما قتل إحدى وأربعين سنة؛ و هنگامی که کشته شد، هفتاد و چند زخم بر بدنش یافتند از ضربه شمشیر و نیزه که همگی در جلوی بدنش بود... و عمر جعفر هنگام شهادت، چهل و یک سال بود.»

«كلها في ما أقبل من بدنه»؛ یعنی چه؟ یعنی تمام جراحات‌ها در قسمت جلوی بدن او بود. این یعنی او حتی یک لحظه هم به دشمن پشت نکرد و فرار نکرد.

اصلاً فرار در قاموس آل ابی‌طالب نیست. من وقتی این‌ها را می‌خواند، تنم می‌لرزید. این‌ها شخصیت‌هایی هستند که در تاریخ مانده‌اند و لازم است، کسی مانند شما این مطالب را احیا کند و به نسل امروز منتقل نماید. این‌ها باید رسانه‌ای شود. شهدای ما این‌ها هستند. این مقاومتی که امروز می‌بینید، خروجی همین مکتب است؛ خروجی شاگردان همین اساتید است.

ببینید عمر حضرت جعفر ؑ در هنگام شهادت چقدر بود؟ ابن‌اثیر در اسدالغابه (جلد ۱، صفحه ۳۴۴) می‌نویسد: «وكان عُمُرُ جَعْفَرٍ لَمَّا قُتِلَ إِحْدَى وَأَرْبَعِينَ سَنَةً؛ و عمر جعفر هنگامی که به شهادت رسید، چهل و یک سال بود.» چهل سالش بود. مسیر مدینه تا موته (در اردن امروزی) کم نیست. این راه را رفته و آن چنان مقاومتی کرده: «حَتَّى قُتِلَ؛ تا آنکه کشته شد.»

- واکنش پیامبراکرم ﷺ به شهادت حضرت جعفر ؑ**

حالا ببینید وقتی خبر شهادتش به پیامبر ﷺ رسید، چه اتفاقی افتاد. در همان کتاب اسدالغابه (جلد ۱، صفحه ۳۴۴) آمده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَمَّا آتَاهُ نَعْيُ جَعْفَرٍ، دَخَلَ عَلَى امْرَأَتِهِ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ، فَعَزَّاهَا فِيهِ وَدَخَلَ فَاطِمَةُ وَهِيَ تَبْكِي وَتَقُولُ: وَاعْمَأُ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: عَلَى مِثْلِ جَعْفَرٍ فَلَتَبَكَ الْبُتَوَكِّي وَدَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ هَمٌّ شَدِيدٌ حَتَّى آتَاهُ جَبْرِيلُ، فَأَخْبَرَهُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لَجَعْفَرٍ جَنَاحَيْنِ مُضْرَجَيْنِ بِالدِّمِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ؛ وقتی خبر شهادت حضرت جعفر ؑ به پیامبر اکرم ﷺ رسید، ایشان فوراً برخاستند و شخصاً به خانه شهید رفتند. «دَخَلَ عَلَى امْرَأَتِهِ أَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ؛ پیامبر شخصاً برای تسلیت و دل‌داری به همسر حضرت جعفر، اسماء بنت عمیس، وارد خانه او شدند.» حضرت زهرای اطهرؑ نیز همراه پیامبر بود. «وَدَخَلَ فَاطِمَةُ وَهِيَ تَبْكِي وَتَقُولُ: وَاعْمَأُ!؛ و فاطمه وارد شد؛ درحالی‌که می‌گریست و می‌گفت: ای وای عمویم!»

در این هنگام، رسول‌خداﷺ فرمودند: «عَلَى مِثْلِ جَعْفَرٍ فَلَتَبَكَ الْبُتَوَكِّي؛ برای کسی مانند جعفر، باید گریه‌کنندگان بگریند.» از این واقعه، اندوهی شدید بر قلب پیامبر ﷺ نشست تا اینکه جبرئیل نازل شد و به ایشان خبر داد که خداوند به‌جای دو دست قطع‌شده جعفر، دو بال آغشته به خون به او عطا کرده است که با آن‌ها همراه فرشتگان در بهشت پرواز می‌کند.

امروز به این می‌گویند: «سردوشی» یا درجه‌دادن بعد از شهادت. پیامبر ﷺ در همان لحظه به ایشان این درجه الهی را ابلاغ فرمودند. خانواده‌های شهدا گوش کنید! درست است که دستش قطع شده؛ اما خداوند به او دو بال عنایت کرده است. این مقام والاست؛ البته این به‌معنای عدم سوگواری نیست. پیامبر ﷺ فرمودند: برای او گریه کنید و اظهار تأثر ننمایید؛ اما بدانید که او به مقام والای خود رسیده است.

- استقبال بی‌نظیر پیامبر ﷺ هنگام بازگشت جعفر از حبشه**

همین جعفر که چنین شهادتی نصیبش شد، همان کسی است که پیامبر ﷺ به او عملی (نماز جعفر طیار) را آموختند که از دنیا و هرچه در آن است، برتر است. او کسی است که وقتی از هجرت حبشه بازگشت، پیامبر به‌شکل ویژه‌ای از او استقبال کردند. در کتاب الصحيح من سيرة النبي الا العظيم ﷺ (جلد ۱۸، صفحه ۲۹۲) آمده است: «وَلَمَّا رَأَاهُ قَامَ إِلَيْهِ وَاسْتَقْبَلَهُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ حَظْوَةً وَعَانَقَهُ وَقَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَقَالَ: لَا أَذْرِي بِأَيِّهَما أَشَدُّ سُرُوراً؟ بِقُدُومِكَ يَا جَعْفَرُ أَمْ بِفَتْحِ اللَّهِ عَلَيَّ يَدِ أَحْيَاكَ خَيْرٌ؟».

علما و اساتید من! «قَامَ إِلَيْهِ» به چه معناست؟ یعنی پیامبر فقط به احترامش بلند نشدند؛ بلکه به سوی او حرکت کردند. دوازده قدم به استقبالش رفتند. این‌ها همه معنا دارد. او را در آغوش گرفتند



(وَعَانَقَهُ (و پیشانی‌اش را بوسیدند (وَقَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ) (سپس در آن لحظه شادی فرمودند: «نمی‌دانم برای کدام‌یک بیشتر شاد باشم؟ برای آمدن تو ای جعفر، یا برای فتح خیبر به دست برادرت (علی)؟» آن روز، روز شادی بود و پیامبر این‌گونه فرمود و در روز شهادتش فرمودند: «فَلَتَبَكَ الْبُتَوَكِّي».

- توصیف نهایی مقاومت و شهادت**

جعفر بن ابی‌طالب ؑ هرگز عقب‌نشینی نکرد: «وَقَاتِلْ إِلَى أَنْ قُطِعَتْ يَدُهُ الْيُمْنَى وَأَخَذَ الزَّيْةَ بِيَدِهِ الْيُسْرَى وَقَاتِلْ إِلَى أَنْ قُطِعَتْ يَدُهُ الْيُسْرَى أَيْضاً، فَاعْتَنَقَ الزَّيْةَ وَضَمَّهَا إِلَى صُدْرِهِ حَتَّى قُتِلَ؛ و به نبرد ادامه داد تا آنکه دست راستش قطع شد و پرچم را با دست چپش گرفت و (باز) جنگید تا آنکه دست چپش نیز قطع گردید. پس پرچم را در آغوش گرفت و آن را به سینه خود فشرد تا آنکه به شهادت رسید.

دو دستش قطع شده؛ اما پرچم را به سینه چسبانده است. این پرچم، رمز استقلال است؛ این پرچم، رمز عزت است؛ این پرچم، رمز آبروست. پیامش این است: بگذار کشته شوم؛ ولی پرچم بالا بماند. آفرین بر شهدای ما، یادتان نرود این‌ها تربیت‌شده‌های همین مکتب هستند. مکتب حضرت جعفر بن ابی‌طالب ؑ که خود دست‌پورده نبی مکرم ﷺ و این مکتب الهی است. «وَوَجِدَ بِهِ نَيْفٌ وَسَبْعُونَ... مَا بَيْنَ طُغْنَةٍ وَضُورَةٍ وَرُمِيَّةٍ؛ و بر بدن او هفتاد و چند... زخم، ما بین ضربه نیزه و شمشیر و تیر یافت شد.»

پرده‌ها برای پیامبر ﷺ کنار رفت و ایشان صحنه شهادت او و یارانش را دیدند و فرمودند: «زَايَنِي جَعْفَرُ فِي نَفَرٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَهُ جَنَاحَانِ يَطِيرُ بِهِمَا؛ جعفر همراه با گروهی از فرشتگان به دیدار من آمد؛ درحالی‌که دو بال داشت و با آن‌ها پرواز می‌کرد. به‌همین دلیل به ایشان «ذوالجناحین» و «طیار فی‌الجنة» می‌گویند. شهادت او در سال هشتم هجری بود و پیامبر ﷺ از این واقعه به‌شدت اندوهگین شدند. اگر امروز بود، یک بیانه سنگین و رسمی صادر می‌کردند که حکایت از عمق حزن ایشان داشت.

شیخ صدوق ؒ از امام صادق ؑ روایت می‌کند: «إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ حِينَ جَاءَهُ وَفَاةُ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ زَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ، كَانَ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ كَثُرَ بُكَاءُهُ عَلَيْهِمَا جَدًّا وَيَقُولُ: «كَانَا يُحَدِّثَانِي وَ يُؤْنِسَانِي... فَدَهَبَا جَمِيعاً»؛ یعنی پیامبر ﷺ هنگامی که خبر شهادت جعفر و زید به ایشان رسید، هرگاه وارد خانه می‌شدند و تنها می‌شدند، گریه‌شان برای آن دو بسیار شدید می‌شد. شاید جلوی جمعیت خود را کنترل می‌کردند تا روحیه لشکر حفظ شود؛ اما در تنهایی راز زار برایشان گریه می‌کردند و می‌فرمودند: «آن دو هم صحبت و مونس من بودند... و هر دو با هم رفتند.»

### تبلیغ دینی در عصر هوش مصنوعی؛ آیا منبر سنتی همچنان کارایی دارد؟

گفت‌وگو با رئیس دانشگاه قم



چنین اطلاعاتی برای برنامه‌ریزی تبلیغی فوق‌العاده ارزشمند است.

- اشاره کردید که این داده‌ها، می‌توانند جهت‌گیری تبلیغ را تغییر دهند. آیا هوش مصنوعی می‌تواند در خود فرآیند تبلیغ هم ابزار مؤثری باشد؟**

• بله، دقیقاً همین‌طور است. هوش مصنوعی تنها برای تحلیل مخاطب نیست؛ بلکه برای خود مبلغ نیز ابزار قدرتمندی محسوب می‌شود. امروز نرم‌افزارهایی وجود دارد که امکان «گفت‌وگو با احادیث» یا «گفت‌وگو با تفاسیر» را فراهم می‌کند. یک مبلغ با

• یکی از چالش‌های مبلغان در عرصه بین‌المللی، محدودیت

استفاده از این سامانه‌ها، می‌تواند در هر موضوعی به منابع گسترده

و معتبر دسترسی پیدا کند و در زمان کوتاه‌تر به فهمی جامع‌تر و

دقیق‌تر از موضوع مورد نظر برسد.

این باعث می‌شود، مبلغ در ارائه مطالب دچار یک‌بعدی‌نگری

نشود؛ یعنی مثلاً یک حدیث را در خلأ نبیند؛ بلکه بتواند ارتباط

آن را با ده‌ها روایت و تفسیر دیگر تحلیل کند. همین امر کیفیت

علمی و عمق محتوای تبلیغ را ارتقا می‌دهد.

• آیا می‌توان گفت هوش مصنوعی در کنار منبرهای سنتی،

مسیر تازه‌ای را برای تبلیغ دینی گشوده است؟

• بله، منبر سنتی همچنان جایگاه ویژه و برکت خود را دارد و

باید حفظ شود؛ اما در کنار آن، منبرهای دیجیتال و مجازی شکل

گرفته‌اند که مخاطبان‌شان بسیار بیشتر، متنوع‌تر و هوشمندترند.

سخنی که در فضای مجازی منتشر می‌شود، نه‌تنها تا نسل‌ها باقی

می‌ماند؛ بلکه جهانی می‌شود؛ افراد از سراسر دنیا، می‌توانند آن را

ببینند و بهره ببرند.

به‌همین دلیل، چنین منبری مطالعات عمیق‌تر، دقت بیشتر و

نگاه جهانی‌تری از سوی مبلغ می‌طلبد. تبلیغ در فضای دیجیتال،

صرفاً رساندن پیام نیست؛ بلکه نوعی گفت‌وگو با مخاطب جهانی

است.

• یکی از چالش‌های مبلغان در عرصه بین‌المللی، محدودیت

استفاده از این سامانه‌ها، می‌تواند در هر موضوعی به منابع گسترده

و معتبر دسترسی پیدا کند و در زمان کوتاه‌تر به فهمی جامع‌تر و

دقیق‌تر از موضوع مورد نظر برسد.

این باعث می‌شود، مبلغ در ارائه مطالب دچار یک‌بعدی‌نگری

نشود؛ یعنی مثلاً یک حدیث را در خلأ نبینند؛ بلکه بتواند ارتباط

آن را با ده‌ها روایت و تفسیر دیگر تحلیل کند. همین امر کیفیت

علمی و عمق محتوای تبلیغ را ارتقا می‌دهد.

• آیا می‌توان گفت هوش مصنوعی در کنار منبرهای سنتی،

مسیر تازه‌ای را برای تبلیغ دینی گشوده است؟

• بله، منبر سنتی همچنان جایگاه ویژه و برکت خود را دارد و

باید حفظ شود؛ اما در کنار آن، منبرهای دیجیتال و مجازی شکل

گرفته‌اند که مخاطبان‌شان بسیار بیشتر، متنوع‌تر و هوشمندترند.

سخنی که در فضای مجازی منتشر می‌شود، نه‌تنها تا نسل‌ها باقی

می‌ماند؛ بلکه جهانی می‌شود؛ افراد از سراسر دنیا، می‌توانند آن را

ببینند و بهره ببرند.

به‌همین دلیل، چنین منبری مطالعات عمیق‌تر، دقت بیشتر و

نگاه جهانی‌تری از سوی مبلغ می‌طلبد. تبلیغ در فضای دیجیتال،

صرفاً رساندن پیام نیست؛ بلکه نوعی گفت‌وگو با مخاطب جهانی

است.

• یکی از چالش‌های مبلغان در عرصه بین‌المللی، محدودیت

استفاده از این سامانه‌ها، می‌تواند در هر موضوعی به منابع گسترده

و معتبر دسترسی پیدا کند و در زمان کوتاه‌تر به فهمی جامع‌تر و

دقیق‌تر از موضوع مورد نظر برسد.

این باعث می‌شود، مبلغ در ارائه مطالب دچار یک‌بعدی‌نگری

نشود؛ یعنی مثلاً یک حدیث را در خلأ نبینند؛ بلکه بتواند ارتباط

آن را با ده‌ها روایت و تفسیر دیگر تحلیل کند. همین امر کیفیت

علمی و عمق محتوای تبلیغ را ارتقا می‌دهد.

• آیا می‌توان گفت هوش مصنوعی در کنار منبرهای سنتی،

مسیر تازه‌ای را برای تبلیغ دینی گشوده است؟

• بله، منبر سنتی همچنان جایگاه ویژه و برکت خود را دارد و

باید حفظ شود؛ اما در کنار آن، منبرهای دیجیتال و مجازی شکل

گرفته‌اند که مخاطبان‌شان بسیار بیشتر، متنوع‌تر و هوشمندترند.

سخنی که در فضای مجازی منتشر می‌شود، نه‌تنها تا نسل‌ها باقی

می‌ماند؛ بلکه جهانی می‌شود؛ افراد از سراسر دنیا، می‌توانند آن را

ببینند و بهره ببرند.

به‌همین دلیل، چنین منبری مطالعات عمیق‌تر، دقت بیشتر و

نگاه جهانی‌تری از سوی مبلغ می‌طلبد. تبلیغ در فضای دیجیتال،

صرفاً رساندن پیام نیست؛ بلکه نوعی گفت‌وگو با مخاطب جهانی

است.

• یکی از چالش‌های مبلغان در عرصه بین‌المللی، محدودیت

استفاده از این سامانه‌ها، می‌تواند در هر موضوعی به منابع گسترده

و معتبر دسترسی پیدا کند و در زمان کوتاه‌تر به فهمی جامع‌تر و

دقیق‌تر از موضوع مورد نظر برسد.

این باعث می‌شود، مبلغ در ارائه مطالب دچار یک‌بعدی‌نگری

نشود؛ یعنی مثلاً یک حدیث را در خلأ نبینند؛ بلکه بتواند ارتباط

آن را با ده‌ها روایت و تفسیر دیگر تحلیل کند. همین امر کیفیت

علمی و عمق محتوای تبلیغ را ارتقا می‌دهد.

• آیا می‌توان گفت هوش مصنوعی در کنار منبرهای سنتی،

مسیر تازه‌ای را برای تبلیغ دینی گشوده است؟

• بله، منبر سنتی همچنان جایگاه ویژه و برکت خود را دارد و

باید حفظ شود؛ اما در کنار آن، منبرهای دیجیتال و مجازی شکل

گرفته‌اند که مخاطبان‌شان بسیار بیشتر، متنوع‌تر و هوشمندترند.

سخنی که در فضای مجازی منتشر می‌شود، نه‌تنها تا نسل‌ها باقی

می‌ماند؛ بلکه جهانی می‌شود؛ افراد از سراسر دنیا، می‌توانند آن را

ببینند و بهره ببرند.

به‌همین دلیل، چنین منبری مطالعات عمیق‌تر، دقت بیشتر و

نگاه جهانی‌تری از سوی مبلغ می‌طلبد. تبلیغ در فضای دیجیتال،

صرفاً رساندن پیام نیست؛ بلکه نوعی گفت‌وگو با مخاطب جهانی

است.

• یکی از چالش‌های مبلغان در عرصه بین‌المللی، محدودیت

استفاده از این سامانه‌ها، می‌تواند در هر موضوعی به منابع گسترده

و معتبر دسترسی پیدا کند و در زمان کوتاه‌تر به فهمی جامع‌تر و

دقیق‌تر از موضوع مورد نظر برسد.

این باعث می‌شود، مبلغ در ارائه مطالب دچار یک‌بعدی‌نگری

نشود؛ یعنی مثلاً یک حدیث را در خلأ نبینند؛ بلکه بتواند ارتباط

آن را با ده‌ها روایت و تفسیر دیگر تحلیل کند. همین امر کیفیت

علمی و عمق محتوای تبلیغ را ارتقا می‌دهد.

• آیا می‌توان گفت هوش مصنوعی در کنار منبرهای سنتی،

مسیر تازه‌ای را برای تبلیغ دینی گشوده است؟

• بله، منبر سنتی همچنان جایگاه ویژه و برکت خود را دارد و

باید حفظ شود؛ اما در کنار آن، منبرهای دیجیتال و مجازی شکل

گرفته‌اند که مخاطبان‌شان بسیار بیشتر، متنوع‌تر و هوشمندترند.

سخنی که در فضای مجازی منتشر می‌شود، نه‌تنها تا نسل‌ها باقی

می‌ماند؛ بلکه جهانی می‌شود؛ افراد از سراسر دنیا، می‌توانند آن را

ببینند و بهره ببرند.

به‌همین دلیل، چنین منبری مطالعات عمیق‌تر، دقت بیشتر و

نگاه جهانی‌تری از سوی مبلغ می‌طلبد. تبلیغ در فضای دیجیتال،

صرفاً رساندن پیام نیست؛ بلکه نوعی گفت‌وگو با مخاطب جهانی

است.

• یکی از چالش‌های مبلغان در عرصه بین‌المللی، محدودیت

استفاده از این سامانه‌ها، می‌تواند در هر موضوعی به منابع گسترده

و معتبر دسترسی پیدا کند و در زمان کوتاه‌تر به فهمی جامع‌تر و

دقیق‌تر از موضوع مورد نظر برسد.

این باعث می‌شود، مبلغ در ارائه مطالب دچار یک‌بعدی‌نگری

نشود؛ یعنی مثلاً یک حدیث را در خلأ نبینند؛ بلکه بتواند ارتباط

آن را با ده‌ها روایت و تفسیر دیگر تحلیل کند. همین امر کیفیت

علمی و عمق محتوای تبلیغ را ارتقا می‌دهد.

• آیا می‌توان گفت هوش مصنوعی در کنار منبرهای سنتی،

مسیر تازه‌ای را برای تبلیغ دینی گشوده است؟

• بله، منبر سنتی همچنان جایگاه ویژه و برکت خود را دارد و

باید حفظ شود؛ اما در کنار آن، منبرهای دیجیتال و مجازی شکل

گرفته‌اند که مخاطبان‌شان بسیار بیشتر، متنوع‌تر و هوشمندترند.

سخنی که در فضای مجازی منتشر می‌شود، نه‌تنها تا نسل‌ها باقی

می‌ماند؛ بلکه جهانی می‌شود؛ افراد از سراسر دنیا، می‌توانند آن را

ببینند و بهره ببرند.

به‌همین دلیل، چنین منبری مطالعات عمیق‌تر، دقت بیشتر و

نگاه جهانی‌تری از سوی مبلغ می‌طلبد. تبلیغ در فضای دیجیتال،

صرفاً رساندن پیام نیست؛ بلکه نوعی گفت‌وگو با مخاطب جهانی

است.